

تحلیل ساختارشناسانه تهدیدات برای درک بهتر معمای تهدید-امنیت در نظام بین الملل معاصر

نویسنده: حسین اژدر

کلمات کلیدی: ساختار تهدید، معمای تهدید، امنیت، جنس تهدید، تهدید عینی، تهدید ذهنی، انگیزه تهدید، حسین اژدر.

شاخص پیچیدگی و تاثیر متقابل آن بر تهدیدات بین المللی

اندیشکده روابط بین الملل: این شاخص علی رغم اهمیت و تاثیر گذاری مثال زدنی که دارد، در حوزه ی متون پژوهشی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

لذا جهت درک معنا و مقام آن لازم است تا نخست مفهوم محوری «منطق» را در حوزه ی مطالعات امنیتی مورد توجه قرار گیرد .

اگر منطق قانون انجام یک کار به صورت صحیح آن باشد، در آن صورت تهدیدات نیز همانند سایر پدیده های متحول دیگر، تابع ضابطه و قاعده ای خواهند بود که به «منطق تهدید» از آن تعبیر می شود .

بر این اساس، تهدیدات از حیث منطق عملی شان به دو دسته ی اصلی قابل تقسیم هستند :

۱. تهدیدات بسیط

از مجموع تحلیل های ارائه شده در خصوص مسائل امنیتی چنین استنتاج می شود که پدیده های امنیتی در مقام فهم و مدیریت، تابع منطق های زیر هستند :

یک - منطق زور

دو - منطق اقناع

سه - منطق جماعت

حال میتوان چنین اظهار داشت که برخی از تهدیدات وجود دارد که اصولا بر مبنای منطق واحدی تکوین و ظهور یافته اند، لذا می توان آنها را «تک منطقی» لقب داد .

۲. تهدیدات مرکب

اگر درک تهدید منوط بر آشنایی با منطق های مختلف باشد، که به صورت هم زمان یا در طول یکدیگر عمل میکنند تا در نهایت تاثیر گذار باشند، در این صورت «تهدیدات پیچیده» خواهد بود.

در این گونه موارد پدیده ی تهدید آمیز، هویتی مرکب می یابد و می طلبد تا مجموعه ای از تخصص ها با استفاده از ابزارها و قواعد تحلیلی متفاوت برای شناخت تهدید به کار گرفته شوند.

تاثیر شاخص هویت بر تهدیدات

ریشه ی امنیت در حفظ اصل یک نظام است.

باید توجه داشت که «نظام مانند یک بدن دارای حیثیتی مادی و همچنین حیثیتی معنوی است» و تهدید یک نظام حقیقتاً میتواند تهدید هر یک از این دو حیثیت باشد.

چنان چه «محمد جواد لاریجانی» اظهار داشته، تهدیدات از حیث جنس شان میتوانند در دو فضای متفاوت تعریف شوند که آنها را به دو دسته ی «مادی» یا «معنوی» تقسیم می سازد.

این تقسیم بندی ریشه در نوع جهان بینی بازیگران دارد.

به این صورت که می توان دو جهان بینی متفاوت را به شرح زیر از یکدیگر تمییز داد:

الف) جهان بینی تک بعدی (ماده گرا)

ویژه گی بارز این گونه از جهان بینی ها، انحصار دوره ی حیات انسان به زندگانی دنیوی اوست که بر اصالت شهود در مقابل جهان غیب استوار است.

نتیجه ی چنین جهان بینی ای (نگرشی) محوریت منافع دنیوی در تصمیم گیری ها (در سطوح مختلف فردی تا جمعی ملی و فراملی) می باشد.

بنابراین، این تلقی که «فرصتها» و «تهدیدها» همچون سایر مفاهیم موثر در تصمیم گیری هویتی «ماده انگارانه» دارند، اصلی مقبول و اولیه به شمار می رود.

ب) جهان بینی دو بعدی

در این گونه از جهان بینی ها وجود جهانی در ورای جهان شهود، مورد پذیرش است که دارای کارکردهای عینی و ذهنی می باشد.

به عبارت دیگر، ایمان به جهانی دیگر در بینش و روش بازیگر تاثیر گذار می باشد. بر این اساس تصمیمات و رفتارهای بازیگران صرفا در حد جهان ماده معنا و مفهوم نمی یابد و انعکاسی در جهان باقی نیز برای آنها متصور است .

آنچه در حد بحث کنونی مد نظر است، این می باشد که صرف پذیرش جهان غیب، ملاحظات و اصول حاکم بر تصمیم گیری های بازیگر را متحول می سازد و از منافی سخن به میان می آید که با «معنویت» در ارتباط اند .

تاثیر شاخص جنس تهدیدات

در حالی که شاخص قبل، تهدیدات را از حیث مرجع شان به دو گونه اصل مادی و معنوی تقسیم بندی می نمود، تفکیک حاضر با عنایت به جنس خود تهدید معنا دار است و از دو گونه ی متفاوت تهدید حکایت دارد.

معیار در این تقسیم بندی بر «هستی» تهدید استوار است .

الف) تهدیدات عینی

این دسته از تهدیدات با استفاده از ابزار ها و منابع قابل مشاهده، تولید و اعمال می شوند، به همین دلیل وصف

"عینی" بر آنها اطلاق می شود .

از منظر روش شناختی نیز می توان چنین اظهار داشت که تهدیدات عینی در درون مکاتب «اثبات گرایانه» معنا و مفهوم کامل خود را یافته، در نتیجه تعریفهای عملیاتی و کمی گرایانه تولید و مبنای شناخت، سنجش و مدیریت تهدید قرار میگیرند.

به این ترتیب می توان تصور نمود که مثلا تهدید معنوی موضوع نگرشهای اثباتی قرار گرفته، هویتی عینی بیابد و محاسبه پذیر گردد .

در واقع در این گونه تهدیدات اصل بر محاسبه پذیر بودن تهدیدات خواهد بود.

برای مثال، اگر زوال و ضعف تعلقات دینی در جامعه یا قشری از افراد جامعه را یک تهدید ارزیابی نماییم، آنگاه نگرشهای اثباتی با تعریف این تعلق به موضوعات عینی خاصی همچون انجام فرایض، نوع پوشش، و... (عملیاتی کردن این مفهوم غیر عینی) به آن عینیت می بخشند و آن را از یک «تهدید معنوی ذهنی» به «تهدید معنوی عینی» تبدیل می سازند.

(ب) تهدید ذهنی

ابعاد غیر عینی تهدید از دیر باز مورد توجه تحلیل گران بوده است، اما رویکرد های نوین در این زمینه به میزان زیادی از یافته های پیشین متفاوت می نماید.

در این حوزه میتوان دو گانه ی مختلف را از هم تمییز داد:

1. بعد ذهنی تهدیدات

از این منظر تحلیلگران بیشتر به آثار و نتایج ذهنی تهدیدات توجه دارند که به طور معمولی در ذیل عنوان کلی جنگهای روانی از آنها یاد شده و تلاش میشود تا با تاثیر گذاری بر افکار عمومی شاخص های قدرت بازیگر تحت تاثیر قرار گرفته، میزان توانمندی او کاهش یابد.

این بعد معمولاً در تعریف عمومی از جنگ روانی مورد توجه می باشد.

"جنگ روانی استفاده برنامه ریزی شده از تبلیغات و فعالیت و ارتباطی توسط یک دولت یا مجموعه ای از دولتهاست که به منظور تاثیر گذاری بر نظرات، احساسات، موضع گیریها و رفتار گروه های دولت، دشمنی یا بی طرفی صورت میگیرد، به گونه ای که به تحقق سیاستهای دولت یا دولتهای مزبور و اهداف آنها کمک کند"

جنگ روانی به مدد رسانه، اژدر، حسین، تهران، اندیشکده روابط بین الملل، قابل دسترسی در سایت (IRTHINK.COM)

2. هویت ذهنی تهدید

ابعاد ذهنی تهدید نزد پژوهش گران امنیتی مهم و در خور توجه می نمود، اما دیدگاه جدید به دنبال توسعه ی این دیدگاه و تاکید بر این مطلب است که اصولاً هر تهدید دارای دو وجود است:

وجود عینی و وجود ذهنی و در این میان ذهنیت بر عینیت الویت دارد.

به این ترتیب مفهوم جدید «احساس تهدید» درست همانند مفهوم احساس امنیت، تولید می شود که دلالت بر آن دارد که برداشت یک بازیگر از این تهدید ضرورتاً با انگیزه ها و اهداف معتبر نزد عامل مطابق نیست.

لذا میتوان تصور نمود که بازیگر اقدام به تولید تهدید نماید، در عینی که بازیگر هدف «احساس تهدید» ننماید و یا بلعکس .

تأثیر شاخص کانون تهدید بر تهدیدات (نقش عامل مولد تهدید)

از جمله نکات ارزنده ای که « باری بوزان » در مقام تحلیل تهدیدات به آن توجه نموده «نقش عامل مولد تهدید » است که در تکوین، عملکرد و مدیریت تهدیدات موثر می باشد.

منظور از عامل مولد، نحوه ی پیدایش یک تهدید می باشد که به تعبیر بوزان میتواند ریشه در اغراض بازیگران و یا ماهیت سازمان ها داشته باشد .

از این منظر میتوان دو گونه اصلی تهدیدات را به شرح زیر از یکدیگر تمییز داد :

1. تهدیدات بازیگران

در واقع این تهدیدات ناشی از اغراض خاص یک بازیگر نسبت به دیگر بازیگران است .

به این صورت که بازیگر (الف) بنا به ملاحظات خاصی، چون کسب منافع، ارتقای جایگاه، سرکوب دشمن و... نسبت به طراحی و ایجاد تهدید خاص علیه رقیب یا دشمن خود که احتمالاً همان بازیگر (ب) است اقدام می نماید .

ویژگی بارز این گونه از تهدیدات آن است که با انگیزه های عامل تهدید ارتباط مستقیم دارند و همین موضوع در نحوه ی مدیریت آنها بسیار تأثیر گذار است .

و باز هم با توجه به ملاحظات علم ریاضیات در واقع ارتباط مستقیم عامل تهدید با تهدید، برای رقیب باعث ارتباط بلعکس عامل مورد تهدید با امنیت خود در موضوعی مورد مناقشه خواهد شد.

2. تهدیدات ساختاری

این دسته از تهدیدات بیش از آنکه ناظر بر مقاصد و اغراض سایر بازیگران باشند، ریشه در سازمان دهی ساختاری موقعیت ها و پدیده ها دارند. به عنوان مثال، باری بوزان به سازمان فکری در قرن بیستم اشاره دارد و اینکه چگونه ماهیت این سازمان برای مشروعیت نظام سیاسی سلطنتی ایجاد بحران می نماید .

نمونه دیگر به تعارض های پدید آمده درون سازمان دولت اشاره دارد که در نتیجه ی آن برخی از نظامهای سیاسی که قادر به حل این تعارض ها نیستند، دچار بحران و حتی فروپاشی می شوند .

ملاحظات از این قبیل حکایت از آن دارد که با تغییر عامل تهدید از «بازیگر» به «ساختار» ماهیت تهدیدات نیز تغییر و تحول می یابند .

چنان که «گالتونگ» نشان داده، این تحول، تغییری ساده نبوده و ماهیت و مصادیق تهدیدات را به صورت جدی دستخوش تغییر می سازد .

مطابق تحلیل گالتونگ، تهدید در وضعیت ساختاری، محصول «صرف فعالیت افراد» در قبال یکدیگر نیست، بلکه محصول عمل نیروهای ساختاری به شمار می آید که ماهیتا «غیر شخصی» هستند .

در واقع همین ویژگی است که مدیریت آنها را بسیار دشوار می سازد .

گالتونگ به عنوان مثال به تهدیداتی از قبیل نابود کردن سوابق افراد در جریان محاکمات معروف مک کارتی در آمریکا، اعزام ناراضیان به تیمارستان در اتحاد جماهیر شوروی سابق، تبعیض حقوق علیه سیاهان در آفریقای جنوبی و ترور های سازمان یافته توسط جوخه های مرگ در آمریکای لاتین اشاره دارد که همگی از «تهدیدات ساختاری جدی» در جهان معاصر ارزیابی می شوند .

تأثیر متقابل شاخص انگیزه و تهدید بر هم

تهدیدات از لحاظ تأثیرات بیرونی چندان تحت تأثیر انگیزه ها نیستند و چنان که اندیشه گرانی همانند «بیل مک سوینی» اظهار داشته اند، انگیزه ها با نتایج سیاستهای امنیتی پیوند مستقیمی ندارند، اما نمی توان منکر این واقعیت شد که «انگیزه» در «مدیریت تهدید» نقش دارد و این تفکیک از نظر «مک سوینی» و پیروان این رویکرد نیز بدور نمانده است .

بنابراین علی رغم اینکه در تعریف تهدید برای این عنصر نقش برجسته ای لحاظ نمی شود، ولی شناسایی گونه های تهدید می تواند چنین اعتباری را به دلیل اهمیت مدیریتی آن قائل شد .

از این منظر انگیزه تهدیدات به دو دسته ی اصلی قابل تفکیک هستند :

الف. تهدیدات عمدی:

ویژگی بارز این گونه از تهدیدات «هدفمندی رفتاری» می باشد که میتوان آن را چنین محدود نمود:

آن دسته از تهدیداتی که بر رفتار هدفمند بازیگر استوار هستند .

بر این اساس، تهدیدات عمدی موضوع «خواست» ، «طرح و برنامه» و «اهداف» تهدید گر می باشند .

مانند تصمیم یک کشور برای حمله به کشور دیگر .

ب. تهدیدات غیر عمدی

تعریف عمومی «تهدیدات غیر عمدی» ناظر بر نبود «عنصر انگیزه اولیه» در تولید تهدید می باشد اما در مقام شمارش انواع آن به گونه های متنوعی از تهدیدات می توان اشاره داشت که عبارتند از :

۱. تهدید طبیعی: مانند بلایای طبیعی
۲. تهدیدات شبه طبیعی: به عنوان تهدیدات «غیرعمدی» بررسی میشوند. مانند استفاده از سموم شیمیایی که در بخش کشاورزی به تولید آسیب ها و آفاتی تازه منجر میشود .
۳. تهدیدات ناخواسته: مثلا دو یا چند بازیگر با اهداف مثبت وارد تعامل می شوند، اما وقوع شرایط ویژه و تاثیرات محیطی منجر می شود تا برخی از این اهداف تغییر ماهیت داده، به تهدید ناخواسته (درعمل) برای برخی دیگر از بازیگران تبدیل شوند .

کار ویژه و تهدید

تکوین هر تهدیدی در عالم واقع با هدف نیل به پاره ای از اهداف اصلی و مرجع، معنا و مفهوم می یابد که از آنها به «کار ویژه ی تهدید» تعبیر می شود.

بر اساس این شاخص می توان تهدیدات را به دو گونه ی زیر تقسیم نمود :

الف) تهدیدات ایدایی

رسالت اصلی این تهدیدات نه تحقق اهداف اعلام شده برای آنها، بلکه ایجاد انحراف در مدیریت بازیگر مقابل، به منظور دست یابی به اهداف عالی تری است که از طریق «اقدامات موازی» حاصل می آید .

ب) تهدید آزمایشی یا اصلی

اجرای طرح های استراتژیک و حساس در بسیاری از موارد در بر دارنده ی میزان بالایی از ریسک می باشند که مجریان را نسبت به انجام آنها محتاط می سازند .

معمولا هزینه های سنگین طراحی انسانی و مالی و همچنین تبعات منفی احتمالی میتواند دلیل محکمی باشد برای بازیگران تا در اجرای طرح های کلان خود با حزم و اندیشه ی بیشتر عمل نمایند .

در این موارد یکی از راه کارها، طراحی و اجرای تهدیدات آزمایشی است که برای سنجش میزان واکنش احتمالی بازیگر هدف و همچنین میزان توفیق طرح کلان در اجرا به کار می روند .

اهداف تعریف شده برای این طرح ها دارای اهمیت هستند، اما خواست نهایی بازیگر را شامل نمی شوند. لذا بر اساس میزان توفیق آنها، نسبت به اجرا و یا عدم اجرا و یا نوع اجرای تهدید اصلی، تصمیم گرفته می شود.



برای تهیه محصولات به فروشگاه اندیشکده مراجعه کنید

www.irthink.com



تلفن مرکز یخش: +۹۱۳۵۶۴۵۴۶۳

پست الکترونیکی: irttir@gmail.com

www.irthink.com

